

شعری برای حکمت ، شعری برای منصور، شعری برای منصور حکمت

غم از دست دادن رفقا و دوستان بیشماری را این جان به لب رسیده در زیر شکنجه های نظامات استبدادی یا در نبرد رویاروی با آنان شنیده و در تبی مداوم که گستره این تن را پوشانیده آزادی را همراه با مردمی در زنجیر بیوقفه سرود خوانده است آخر غم دردی که بر جان منصور ریخته را چگونه باید آواز خواند؟ شعر بر من پدیدار شد و چنین گفت:

گفته اند که شاعر شعر را میسراید، من این کلام ناسازگار را خوش ندارم ، این من هستم است که شاعر را بیان کرده و میسرایم، شعر مجموعه فکری- فلسفی شاعر یا مکنونات ذهنی وی یعنی حکمت یا علم او را به حقایق اشیاء و پدیده ها و انسان بیان میکند .

و قلب ، منصور ، یا یاری شده ، بخشی، از این مکنونات قرار میگیرد . شعر خود به سراغ شاعر میآید و خود را تثبیت میکند و شاعر تنها نگارنده و یا تاریخ نگاری میشود که حکمت منصور را در کف شعر قرار داده است .
منصور جان !

رویت را از دور میبوسم و میدانم که برای پیروزی بر اهریمن سرطان شاعران ، نویسندگان ، هنرمندان و مبارزین و مردم این سرزمین دنیائی از انرژی را بسویت سوق خواهند داد، و دانشجویان دلیر این سرزمین در ۱۸ تیر همچنان که گذشته بر ارتجاع خونخوار مذهبی با یاد تمامی رزمندان بی مهابا خواهند خروشید .
منصور عزیز مبارزم !

تو تکثیر شده حکمت تفکری را که سالیان برایش کوشیدی چون مشعلی فروزان فرا راه و در دستان همبسته دانشجو و کارگر تا سرنگونی نظام فقر و فساد و تباهی جمهوری اسلامی خواهی دید، و چه توفیقی بالا تر از .

منصور !

این شعر که خود را برای ثبت بر من عرضه کرده از طرف حکمتِ تاریخی منصورى پر احساس بپذیر.

نوید اخگر پنجم ژوئیه سال ۲۰۰۲ میلادی برابر با ۱۴ تیر ماه سال ۱۳۸۱
خورشیدی سوئد - استکهلم

منصور، به حکمت که توان زیست به گیتی

افسانه حلاج به هر حکمت منصور مبارک

منصور. جهان در نظرم قطره آبی است

مقصود نه آب است به منصور مبارک

من دوش به میخانه منصور شدم باز

نصر خلف جهد به پیمانه منصور مبارک

دیدم بر ساقی به نظر بازی منصور

ساغرچه کنم، مستی عشاق به منصور مبارک

سر نیزه بدستان شرف در کف منصور

پیمانه به پیمانه حکمت بر منصور مبارک

دادند حریفان قسمی بر می و منصور

اشکی ز رخ حکمت شمعم بر منصور مبارک

آئینه رخش بر قدح جام خرابات

قلبی که بر آینه بر آن منصور مبارک

این جلوه آئین دلیران زمین است

زحمتکش کار آینه بر حکمت منصور مبارک

اکنونکه دمیدند به گل، لاله دمیده است

رزم شرف مردم ایران بر منصور مبارک

گفتند که او خسته این خاک و آن قطره آب است
او نیست در این تن، که هزاران تن حکمت بر منصور مبارك
من شاعر رزمی کهن از عهد عتیق
این اخگر حکمت بر شعرم به تو منصور مبارك

نوید اخگر

سروده شده در تاریخ سوم ژوئیه سال ۲۰۰۲ میلادی پس از شنیدن خبر ناگوار
پیشروی سرطان در وجود نازنین مبارز آزادیخواه ، منصور حکمت (باغ کبوتران)